

در این مفهوم دو کلمه " کار " و " کودک " احتیاج به توضیح دارند. باید دید کودک کیست و کار چیست و شمول آن در چه محدوده ای است. در وحله اول شاید بگوئیم خوب کودک کودک است مثل همه کودکان، اما وقتی پای کار به میان می آید دیگر کودک به مفهوم رایج کودک در نظر گرفته نمی شود بلکه مانند هر کارگری طعم شیرین ارزش اضافی را به مشام سرمایه می آورد.

کودک بنا به تعریف پیمان نامه سازمان ملل در باره کودکان، انسانی است که ۱۸ سال را تمام نکرده است مگر این که سن بلوغ در کشوری بنا به حقوق جاری اش زودتر تعیین شود! این مگر اما خود ناقض تعریف کودک می شود، زیرا می شود مثلاً با آن معیار ۹ سال را برای بلوغ دختران و خارج کردن اینان از زمره کودکان پذیرفت و به حقوق و قوانین ارتجاعی صحه گذاشت. یا اجازه داد تصمیم گیری در مورد کار کودکان زیر ۱۸ سال به پدر یا قیم یا مقامات قضائی سپرده شود. نمونه این دو مورد را در قوانین کشورهای اسلامی و قانون کار بسیاری از کشورهای دنیا می یابیم.

گذشته از این اما و اگر و مگرها باز هم کشورهای که پیمان نامه را پذیرفته اند در اجرای آن خود را موظف نمی دانند و چشم بر نقض آن می بندند. جای تعجبی هم نیست زیرا در سیستمی که نیروی کار انسان کالائی مثل هر کالای دیگر است همواره برای خرید و فروش این کالا راه های گریزی وجود دارد. معامله ای که بنا به تعریف آزاد است، فروشنده در بازار کالای کار، کالای خود را به میل خود و بدون هیچ گونه فشار و اجباری می فروشد! خریدار هم آزادانه و برابر! این کالا را می خرد تا به نحوی که خود می خواهد ازین کالا یعنی نیروی کار استفاده کند. اما آیا واقعاً فروشنده آزاد است. فروشنده ای که در این رابطه برابر نامیده شده چیزی برای فروش ندارد جز نیروی کارش و قیمت آن را هم نه خود بلکه شرایط جاری و مناسبات حاکم در جامعه تعیین می کند. باز هم بنا بر تعریف این قیمت یا به بیان دیگر مزد کارگر باید به مقداری باشد که بازتولید نیروی کار حاضر و آتی را فراهم سازد یعنی باید حداقل مایحتاج زندگی کارگر و خانواده اش را تامین نماید، اما برای سرمایه دار برخلاف برده دار که حساب سرمایه خود را می کرد بدلیل وجود ارتش ذخیره کار (خیل بیکاران) نگرانی از نابودی کارگزارش ندارد. قابل ذکر است که این قوانین و باید و نباید ها نه در اثر خیراندیشی پارلمان نشین و دولت های سرمایه داری که حاصل مبارزات چند قرنه کارگران است، البته اینان هم تمام سعی خود را در تعدیل و تخفیف خواست های کارگران در جهت حفظ منافع سرمایه انجام داده اند. با وجود این واقعیات بسیار دور از این تعاریف است به نحوی که کارگر که می بایست نیروی کار خود را برای تامین نیازهای خود و خانواده اش بفروشد مجبور به فروش نیروی کار زن و فرزندان خود نیز می شود. پس زن و فرزندان خود را می فروشد و " برده فروش " می گردد. چشم برهم می گذارد و اجازه می دهد زن و دخترانش برای کمک به مخارج خانواده به خودفروشی به پردازند. و بدین طریق مساله کار کودکان مطرح می شود، امروزه بنا به تعریف سن کار از طرف سازمان بین المللی کار، کار کودک به کار افراد زیر ۱۵ سال اطلاق می شود. اما آغازش از کجا و چگونه بود؟

بدون شک از زمان های دور کار کودکان مطرح بود. در دوران برده داری که برده و تمام زندگی و حیات و ممانش به برده دار تعلق داشت کودکان هم که با مهر برده بودن به دنیا می آمدند. گرچه که در بسیاری از موارد فرزندان همان برده داران بودند - از کودکی کار را در کنار دیگر برده ها شروع می کردند اما منافع برده داران در آن بود که برای حفظ سرمایه ای که صرف خرید برده شده و استفاده از آن، حداقل زندگی آن ها تامین کند. یا در دوران فئودالیسم که دهقان وابسته به زمین بود و اختیار جان و مالش با مالک، کودکان نیز از زمانی که توان کار پیدا می کردند در کنار والدین و خانواده به کار می پرداختند، شدت و سختی کار بستگی به شرایط داشت. اما کار کردن در سرمایه داری معنی و ویژگی دیگری دارد و سرمایه داری به کار کودکان سروسامان داد که آغاز آن به ورود ماشین در کار تولید کالا برمی گردد. با ورود ماشین دیگر نیروی عضلانی کارکردش را از دست می دهد، بنا بر این بکار گیری کارگرانی که نیروی عضلانی چندانی ندارند و یا اصولاً به خاطر سن کم بدن شان هنوز به رشد

و تکامل لازم نرسیده اما دارای نرمش و انعطاف بیشتری است و از همه مهم تر بسیار ارزان نیز می باشد، در دستور کار سرمایه داری قرار می گیرد.

این دو گروه کارگران جدید، زنان و کودکان هستند.

بدین گونه کودکان مجبور میشوند به دلیل فقر و حشمتاک خانواده که خود ناشی از بهره کشی بیش از اندازه سرمایه داری است به جای بازی های کودکانه، به جای استفاده از اسباب بازی، به جای رفتن به مدرسه و سواد آموزی، روانه کارخانه ها شوند و در محیط نامناسب آن از نظر جسمانی و هم اخلاقی و فرهنگی، با ابزار کار سرو کار پیدا کنند. به عنوان نیروی کار مورد استثمار شدید قرار گیرند. اینان کودکان خانواده های کارگری هستند.

پدر به عنوان کارگر در همین کارخانه یا کارخانه ای دیگر یا معدنی مخوف مشغول کار است. اکنون مادر نیز به کار گرفته شده است اما باز هم سفره از نان خالی است. کل خانواده به خدمت سرمایه در آمده است در حالی که بنا به تعریف ارزش نیروی کار (مرد یا پدرا خانواده) می باید کارگر و خانواده اش را تامین و باز تولید کند. اما شدت استثمار چنان بالاست و مزد پرداختی چنان پائین که به جای مرد خانه کل خانواده باید کار و اضافه کاری نماید تا شاید همان مزد و یا اندکی بیشتر را بتواند کسب کند یعنی می توان گفت در حقیقت یک مزد بین افراد خانواده تقسیم می گردد. اما در طرف دیگر اوضاع به شیوه دیگری است، یعنی سرمایه دار با پرداخت یک مزد یا اندکی بیشتر از یک مزد به مجموع خانواده سه یا بیشتر مورد کار غیر لازم را تصاحب می کند و حجم ارزش اضافی تصاحب کرده را بالا می برد.

این وضعیت که در آغاز صنعت ماشینی پیش آمد چنان لجام گسیخته گردید که دولت بورژوائی و پارلمان به دلیل حفظ منافع آتی مجبور به دخالت و تعیین حد و حدود گردید. مثلا پارلمان انگلیس به عنوان کشوری که پیشرو صنعت بود محدودیت هایی در رابطه با کار کودکان و زنان مقرر کرد از قبیل لزوم تحصیلات ابتدائی، ساعات محدود کار، محدودیت سنی و غیره. اولین این قوانین به نام قانون کارخانجات در سال ۱۸۳۳ به تصویب رسید که گذشته از تعیین روزانه کار ۱۵ ساعته، کار کودکان و جوانان را به ۱۲ ساعت محدود می کند و به تدریج با رشد گیری مقاومت کارگران که آن هم با صنعت بزرگ آغاز می شود در سال ۱۸۴۴ ساعات کار کودکان کوچک تر از ۱۳ سال به ۶-۷ ساعت در روز محدود می گردد. بعد از شکست و سرکوب قیام چارتیست ها و سپس قیام ژوئن پاریس دوباره از سال ۱۸۵۰ نیروی تعرضی طبقه کارگر سرریعا رشد می یابد و متعاقب آن پارلمان مجبور به تصویب قوانین جدید می گردد. کارشبانان زنان و جوانان و کودکان ممنوع می شود. این روند با توجه به قدرت مبارزاتی طبقه کارگر و به نسبت شدت و ضعف مبارزه طبقاتی فراز و نشیب می پیماید. کنگره بین المل کارگری در ژنو در سپتامبر ۱۸۶۶ روزانه کار ۸ ساعته را پیشنهاد می کند. قوانین حمایت از کودکان به وجود می آید و کار کودک ممنوع اعلام می شود. اما ببینیم امروز در بر کدام پاشنه می چرخد و در ورای این قوانین اوضاع واقعی در مورد کودکان چگونه است.

برای دقت بیشتر و امکان مقایسه مساله را در بخش های جداگانه کشورهای صنعتی پیشرفته و کشورهای در حال در حال رشد (گرچه واژه ای رسا نیست و بسیاری از کشورها که در زمره این تعریف قرار می گیرند نه در حال رشد که در حال فروپاشی و نشان دهنده فاجعه های انسانی دل خراش هستند. اما بازار سرمایه با وجود این گرم است و از خون این قربانیان نیرو می گیرد.) و در درون کشورهای در حال رشد هم آن ها را بر اساس قاره ها مورد بررسی قرار می دهیم.

یک دوازدهم جمعیت جهان دچار سوء تغذیه است که ۱۶۰ میلیون نفر آن را کودکان زیر ۵ سال تشکیل می دهد. هر روز ۳۴ هزار کودک زیر ۵ سال و هر ساله ۱۲ میلیون کودک از گرسنگی می میرند در حالی که به اندازه کافی گندم، برنج و مواد غذایی برای سیر کردن شکم جمعیت جهان وجود دارد. هم زمان با این مرگ و میر بالای کودکان از گرسنگی برای حفظ قیمت و تعادل بازار مقادیر زیادی از این مواد عامدانه نابود می گردند.

می گویند فقر مهم ترین عامل گرسنگی است اما نمی گویند این فقر فزاینده از کجا می آید و چرا همواره دامنه آن گسترده تر می شود. ۱ نفر از هر ۴ نفر جمعیت جهان یعنی ۱/۳ میلیارد نفر روزانه با کمتر از یک دلار امریکا زندگی می کند درحقیقت باید بگوئیم این تعداد از جمعیت جهان مرگ را روزشماری می کنند.

چرا کودکان کار می کنند؟

۲۵۰ میلیون کودک ۱۴-۵ ساله کار می کنند تا چرخ اقتصاد جهان بهتر به گردش درآید. از این تعداد ۱۲۰ میلیون کودک به طور تمام وقت و بقیه نیمه وقت کار می کنند. که ۱۱۳ میلیون کودک حتی از تحصیلات ابتدائی محروم می شوند و در بسیاری از نقاط به طور سنتی این شتر ابتدا در خانه دخترکان کوچک می خوابد و خانواده سودی در سرمایه گذاری برای آموزش دختران نمی بیند یا از شدت فقر درحقیقت آن ها را می فروشد. هم زمان میلیون ها انسان بزرگ سال بیکارند. بعضی از سرمایه داران کودکان را به خاطر جثه کوچک شان برای کار مفید تر از بزرگسالان می یابند ، برای گره زدن قالی های گران قیمت (دختر ۶ ساله ای در ایران به عنوان بهترین قالی باف انتخاب می شود و در کمال بیشرمی در بوق و کرنا دمیده می شود و از رهبر جایزه دریافت می کند!!) برای خزیدن در تونل های باریک معادن و درمعنای درست کلمه برای این که سود بیشتری ازین کار نصیب سرمایه می شود، به طور مثال در سال ۱۳۷۶ نهصد و هجده میلیارد تومان طبقه سرمایه دار ایران از محل کار کودکان سود اضافی بچنگ می آورد.

کودکان به چه کارهایی اشتغال دارند؟

در کارخانه ها برای تولید کالاهای مختلف با مزدی اندک و تحت شرایط بسیار بد و بدون هیچ لباس حفاظتی و اقدامات ایمنی کار می کنند. مثل کفش ورزشی، قالی بافی، کبریت سازی، شیشه گری، ساخت مواد آتش بازی، تولید سیگار، تولید مواد سمی و شیمیائی که نمونه بوپال هند دنیا را تکان داد اما برای سرمایه تنها ارتعاش کوچکی بود که با پرداخت اندکی پول به خانواده های فقیر کشته شده گان برآن سرپوش گذاشته شد تا در جاهای دیگر تکرار شود، نمونه دیگر آن شرکت امریکائی اچ. ب. فولدرر گواتمالا است که به تولید مواد سمی و شیمیائی توکسید و چسب برای کفش مشغول است که بر روی اعصاب تاثیر می گذارد. این شرکت از کار کودکان خیابانی و دیگر کودکان خانواده های فقیر استفاده می کند. این کودکان به دلیل استنشام مواد سمی حس بویائی خود را از دست می دهند و گاه از تاثیر سم می میرند، به طور مثال در ژانویه ۱۹۹۳ در این کارخانه ۱۱ کودک به دلیل مسمومیت مردند اما سود کارخانه در یکسال ازین تجارت ۴۵۰ هزار دلار بود، سنگ شکنی، ماهی گیری دردربای عمیق، دستفروشی، ماشین شوئی و ماشین پائی، مغازه شاگردی، پادوئی، کشاورزی خانوادگی و کشاورزی صادراتی همراه با خانواده، کار بدون مزد فامیلی، خدمت کاری، واکسی، در مراکز خدماتی مثل هتل ها ، کافه ها و بارها، در رستوران ها و آشپزخانه ها، و درکارهایی که به عنوان بدترین نوع کار تقسیم بندی میگردند مثل بردگی جنسی، استفاده از کودکان در فاحشگی، پورنوگرافی، حمل و توزیع مواد مخدر، تجارت سکس و تورسیم سکس. این بخش ۱۷۹ میلیون از ۲۴۶ میلیون کودکان کار را در برمی گیرد. توسط دولت ها و چریک های مخالف به عنوان سرباز به کار گرفته می شوند. پسران امکان بیشتری برای یافتن شغل دارند، دختران اما بیشتر نزد خانواده ها به عنوان خدمتکار بدون دریافت هیچ مزدی روزانه ۱۰ تا ۱۴ ساعت کار می کنند و بنا بر طبیعت این نوع کار در آمارها هم به حساب آورده نمی شوند ، هم چنین در تجارت سکس و تورسیم سکس بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند .

جنگ و کودکان

کودکان همواره قربانیان جنگ ها هستند. در جنگ های ۱۰ ساله اخیر دو میلیون کودک جان خود را از دست داده اند. اما این جا به شیوه ای دیگر قربانی می شوند. آن ها به خاطر فقر، به خاطر دریافت غذای

روزانه و به خاطر داشتن جایی برای زندگی! به ویژه کودکان خیابانی و بعضی از ترس به ارتش دولتی یا ارتش چریکی می پیوندند. شمار کودکان سرباز در ۳۰ کشور درگیر در جنگ در نقاط مختلف دنیا بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر است. ۳. از این کودکان برای پیام رسانی، حمل اسلحه و بار، مین روبی، و پارتیرسکس استفاده می شود. استفاده از کودکان زیر ۱۸ سال تنها اختصاص به کشورهای فقیر یا در حال رشد ندارد بلکه در کشورها پیشرفته صنعتی هم کودکان خانواده های فقیر را در برمی گیرد مثلا بعضی از کودکان سرباز انگلیسی در جنگ خلیج و فاکلند کشته شدند. هم چنین سربازان ۱۷ ساله امریکائی در جنگ های سومالی، بوسنی و خلیج شرکت داشتند. در کانادا کودکان ۱۶ ساله را به خدمت نظام می پذیرند. کودکان سرباز در بسیاری از جنگ های دیگر از جمله بوسنی هرزگوین، چینیا، ناگورنا، کاراباخ، مسدونی، ترکیه، کوسوو، داغستان و جمهوری های سابق یوگوسلاوی فعال بودند. از جمله جنگ هایی که کودکان به طور علنی در آن فعال بودند و حضور آن ها از طرف مسئولان بالای مملکتی مورد تشویق و تأیید قرار می گرفت جنگ ایران و عراق بود که کودکان ایرانی برای حضور در جنگ احتیاج به اجازه والدین نداشتند. از این کودکان برای مین روبی و عملیات انتحاری استفاده می شد، نمونه بارز آن کودک ۱۲ ساله ای بود که خود را با مواد منفجره به یک تانک عراقی زد و کشته شد که از طرف رهبر و مقامات به عنوان قهرمان اسلام نام گرفت، خود من نیز دو کودک ۱۱ و ۱۳ ساله را می شناسم که در میدان مین پودر شدند و آثاری از آن ها باقی نماند تا به خانواده شان تحویل دهند. در حالی که فرزندان همین رهبران در کنار والدین خود به راحتی زندگی می کردند و به آن ها گفته می شد: جبهه جنگ شما، مدرسه است (از مصاحبه رفسنجانی در مورد اشتیاق پسرش برای رفتن به جبهه)، این وضعیت خود را در ادبیات و فرهنگ جنگ به خوبی نشان می دهد. در یکی از سرودهایی که در زمان جنگ مرتب برای تشویق کودکان در رفتن به جبهه از رادیو ایران پخش می شد کودکان سرود خوان می گفتند: دشمن خیال کرده ما نوگل بهاریم، اما امام ما گفت ما مرد کارو زاریم!! عجیب است که دشمن در این مورد انسانی فکر می کند.

کودکان و سکس تجاری

سکس تجاری که یکی از نمودهای سقوط اخلاقی در سرمایه داری است، شامل فاحشگی کودکان، پورنو کودکان، تورسیم سکس و ترافیک کودکان به خاطر سکس می باشد. خودفروشی کودکان، با سکس تجاری سازمان دهی می شود. کودکان از طریق بچه دزدی یا بیواسطه با تحویل خانواده های فقیر برای دریافت پولی اندک یا به عنوان استرداد قرض خانواده و گاه به تصور تهیه زندگی بهتری برای کودک در آینده و یا توسط قیم برای دریافت پول در اختیار باندهای مربوطه قرار می گیرند. کودکان خیابانی بزرگ ترین منبع این به اصطلاح تجارت هستند. این کودکان گذشته از آسیب های شدید روحی در خطر جدی ایدز قرار دارند.

توریست های سکس معمولاً از امریکا، کانادا، ایتالیا و آلمان می آیند یعنی از کشورهای پیشرفته سرمایه داری که مشکل و محدودیتی برایشان در سکس طبیعی وجود ندارد.

توزیع جغرافیایی کار کودک

منطقه	کشورهای صنعتی اروپا	اروپای شرقی	آسیا و اسیفیک	افریقا و خاور میانه	امریکا لاتین و کارائیب
میلیون نفر	۲/۵	۲/۴	۱۲۷/۳	۶۱/۴	۱۷/۴
درصد			۶۱	۳۲	۷

اروپای غربی

گرچه آمار رسمی و دقیقی ارکارکودکان در اروپا وجود ندارد اما بعضی از مطالعات نشان از کار گسترده کودکان در انگلیس، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال دارد. لذا کار کودک به صورت یک مساله جدی برای اروپا در آمده است. می توان گفت تقریباً در هر چیزی که می خریم جای پای کارکودکان وجود دارد، به ویژه در بسیاری از شاخه های صادراتی از جمله تولید پوشاک و هم چنین در تورسیم سکس

کودکان، پورنوگرافی کودکان و استفاده از آن‌ها در کار توزیع مواد مخدر، به نحوی که در دسامبر ۱۹۹۹ پارلمان اروپا موظف به اقداماتی برای کاهش آن می‌شود. درکشورهای پیشرفته صنعتی ۲/۵ میلیون کودک کار می‌کنند این آمارچنان که بر می‌آید نمی‌تواند درست باشد، زیرا بر مبنای گزارش BBC در ۱۰ فوریه ۱۹۹۸: بیش از دو میلیون کودک در سن مدرسه تنها در انگلیس به نوعی در استخدام هستند که سه چهارم آن‌ها به طور غیر قانونی کار می‌کنند. به کودکان ساعتی ۳۳ پنس مزد داده می‌شود. گرچه متوسط ساعات کار هفتگی ۸ ساعت است بعضی از کودکان تا ۲۹ ساعت در هفته کار می‌کنند، یا براساس گزارشی دیگر دو سوم کودکان دبیرستانی انگلیس احتمالاً نیمه وقت کار می‌کنند یا ۵۰ درصد کودکان موقع تعطیلی مدرسه یک کار نیمه وقت دارند. سالانه ۵۰۰ هزار زن و دختران نوجوان از آفریقا، آسیای جنوب شرقی و به ویژه اروپای شرقی و مرکزی به اتحادیه اروپا ترافیک می‌شوند و به کار سکس تجاری مجبور می‌گردند. بر اساس مطالعه‌ای در آلمان حدود ۶۰۰ هزار کودک کار می‌کنند که ۴۰ درصدشان ۱۵-۱۳ ساله هستند. آن‌ها در مزارع و کارگاه‌های فامیلی، روزنامه‌فروشی، پخش آگهی‌های تجاری و... فعالند. طبق قانون کار آلمان کودکان زیر ۱۳ سال به هیچ وجه اجازه کار کردن ندارند. اما بسیاری از کارفرماها به طور غیرقانونی از کار نوجوانان به دلیل ارزان بودن استفاده می‌کنند. در پرتغال ۵۰ هزار کودک به طور تمام وقت و اکثراً در کشاورزی کار می‌کنند. با وجود اجباری بودن و کنترل آموزش مدرسه‌ای در شمال پرتغال کودکان حدود ۱۲ ساله در کارخانه‌های تولید کفش کار می‌کنند، در حالی که سن قانونی کار ۱۶ سال است. در خانواده‌های فقیر پرتغال کسب درآمد پولی مهم‌تر از آموزش و آموختن است و به همین سبب وقتی کاری برای کودکی پیدا می‌شود سبب شادمانی می‌گردد. قابل ذکر است که در اتحادیه اروپا ۵۵ میلیون نفر در خط فقر زندگی می‌کنند. یک کودک از هر ده کودک زندگی‌شان با کمک‌های اجتماعی تامین می‌گردد. ۴.

اروپای شرقی و جمهوری‌های سابق شوروی

به دست آوردن بسیاری از اطلاعات آماری مربوط به این کشورها مشکل و گاه دست نیافتنی است. درصد کودکان کار در این کشورها با اطلاعات رسمی بین ۱ تا ۳۰ درصد کل کودکان ۱۴-۱۰ در نوسان است. سن قانونی کار در آن‌ها بین ۱۴ تا ۱۸ سال است. این کودکان در مزارع فامیلی، مارکت‌ها، باربری، نظافت، مغازه‌شاگردی، فروش روزنامه، دستفروشی در خیابان، ماشین‌شوئی، کار در مزارع کتان و برنج، در پرورش کرم ابریشم، گدائی و به ویژه به خودفروشی اشتغال دارند. این کشورها منبع اصلی برای ترافیک زنان و به ویژه کودکان به اروپا و سایر کشورهاست. بعد از فروپاشی بلوک شرق و ورود آن‌ها به سیستم سرمایه‌داری نوع غربی، نابسامانی‌های اجتماعی که قبلاً به شیوه‌هایی تخفیف می‌یافت مثل یک دمل چرکی سرباز کرد اما به جای بهبود که البته بهبودی در کارنیود به غده سرطانی تبدیل شد. از جمله این نابسامانی‌ها پدیده کودکان خیابانی و تجارت سکس است. اکنون این کشورها منبع اصلی تامین زنان و دختران خودفروش برای کشورهای اروپایی است به نحوی که تعداد خودفروشان مهاجر از خودی در کشورهای اروپا بیشتر شده است. اغلب این‌ها را کودکان ۱۳ و ۱۴ ساله تشکیل می‌دهد که باندهای قاچاق انسان آن‌ها را با فریب یافتن شغلی خوب به اروپای غربی می‌آورد و به بردگی جنسی می‌کشاند. کودکان به ویژه دختران از قزاقستان به یونان، ترکیه، امارات، اسرائیل و کره جنوبی، از ازبکستان به کشورهای خلیج فارس، کره جنوبی، ترکیه و تایلند برای سکس تجاری ترافیک می‌شوند. از استونیا به شمال و غرب اروپا، از گرجستان دختران برای فاحشگی و کلفتی و سکس تجاری و پورنو به ترکیه و یونان ترافیک می‌شوند.

کشورهای در حال رشد:

آفریقا

یک سوم کل کودکان ۱۴-۵ ساله آفریقا کار می‌کنند که بالا ترین میزان کار کودک در جهان است. چاد با ۶۵/۵، گینه بیسائو با ۶۵/۴ و کامرون با ۶۳/۵ درصد، بالاترین درصد کار کودکان ۱۴-۵ ساله را

در افریقا در اختیار دارند. سه چهارم کودکان به کارفامیلی بدون مزد و ۹۰ درصدشان به کار کشاورزی اشتغال دارند.

به طور کلی ۲۲ درصد نیروی کار قاره افریقا را کودکان تشکیل می‌دهند. عمده فعالیت های اقتصادی که کودکان در آن ها مشغولند عبارت از: کار در مزارع فامیلی، مزارع تجاری کشت نیشکر، برنج، چای، و قهوه. به طور مثال ۶۰-۵۰ درصد نیروی کار مزارع قهوه کنیا را کودکان تشکیل می‌دهند. در گابن برای کار اجباری در مزارع تجاری به ۳۴۰ دلار امریکا فروخته می‌شوند. آن ها بدون دریافت مزدی روزانه ۱۲ ساعت کار می‌کنند و مورد سوء استفاده جنسی نیز قرار می‌گیرند. بعضی از کودکان در صنایع صادراتی مثل نساجی، لباس دوزی، قالی بافی و کفش کار می‌کنند. عده ای دیگر در معادن طلا، الماس و ذغال و . . . دستفروشی در خیابان، واکسی، ماشین پائی، مغازه شاگردی، خدمتکاری و کاردرکارگاه های تعمیراتی و فلزکاری ها که در آن ها با مواد شیمیائی و سمی چون رنگ، تینرو اسید باطری سرو کار دارند. از جمله کارهای دیگر چیدن و جمع آوری میوه، کندن گل، ماهی گیری، و جستجو در آشغال برای مواد فلزی و پلاستیک و غیره می باشد. سن قانونی کار در این کشورها متغیر و از ۱۲ تا ۱۸ سال است. دختران معمولاً به کار خدمت کاری در منازل اشتغال دارند که یا بی مزد است و یا مزد ناچیزی دارد اما اینان در خطر سوء استفاده جنسی و به دلیل دوری از خانواده و تنها بودن دچار مشکلات روانی اند.

کودک سرباز

اشتغال در ارتش دولتی یا چریکی مخالف دولت هم تعدادی را به خود جلب می‌کند. در چاد کودکان ۱۳ ساله در ارتش پذیرفته می‌شوند و آن ها را برای مین روبی به خط مقدم می‌فرستند. در جمهوری کنگو ۱۵ هزار کودک سرباز وجود دارد که از ۱۳ سالگی پذیرفته می‌شوند اما ورود به ارتش های محلی از ۸ سالگی است.

سکس تجاری و پورنوگرافی از کودکان در حال گسترش است و کودکان به این دلیل به اروپا و کشورهای داخل قاره ترانزیت می‌شوند. در کنگو دختران از سن ۸ سالگی به خودفروشی کشیده می‌شوند و در اتیوپی پسران و دختران از ۱۱ سالگی. کامرون کشور ترانزیت کودکان وارده از نیجریه، بنین، چاد، کنگو، افریقای مرکزی، توگو و مالی برای سکس تجاری به داخل و کشورهای مجاور است. افریقای جنوبی از مراکز اصلی ترافیک کودکان به اروپا و ترافیک دختران به اسرائیل و روسیه می‌باشد.

آموزش ابتدائی گرچه در اغلب کشورها اجباری و مجانی است اما میزان خالص ثبت نام در آن پائین و به طور متوسط ۴۰ درصد است. در اکثر این کشور کودکان مناطق روستائی به مدرسه فرستاده نمی‌شوند که دلیل آن علاوه بر کمبود مدرسه و یا نبود آن، فقر مفرط است زیرا قادر به تهیه کتاب و دفتر و غیره نیستند. در بسیاری از کشورها به دلایل فرهنگی دختران را به مدرسه نمی‌فرستند. بسیاری نیز از ۵ سالگی به خدمتکاری فرستاده می‌شوند. بنا به گزارش یونیسف در گینه بیسائو ۲۵ درصد مدارس تنها ۲ کلاس درس و ۵۰ درصد شان تا پایه چهارم را دارا بودند. در بعضی مناطق نیز کودکان را به مدارس قرآنی می‌فرستادند.

آسیا

۱۲۷/۳ میلیون کودک ۵-۱۴ ساله در آسیا کار می‌کنند. اما آمارهای غیر رسمی بسیار فراتر از این مقدار است. مثلاً بنا به گزارش سازمان جهانی کار که از منابع رسمی استفاده می‌کند ۱۱/۳ میلیون کودک کار در هند وجود دارد که ۵/۴ درصد نیروی کار هند را تشکیل می‌دهد اما بنا به گزارش سازمان های غیردولتی بین ۴۴-۵۵ میلیون کودک در هند کار می‌کنند که ۱۴ میلیون تنها به عنوان خدمت کار در خانه ها کار می‌کنند. در ایران بنا به گزارش منابع رسمی ۳۸۰ هزار کودک ۱۴-۱۰ ساله به طور ثابت و ۳۶۰ هزار به طور فصلی کار می‌کنند یعنی در مجموع ۷۴۰ هزار کودک کار، این آمار کارایی مزد کودکان در فعالیت های اقتصادی خانوادگی، خدمت کاری، مغازه شاگردی و کارهای غیررسمی را در برنمی‌گیرد.

سن کا ر قانونی در اکثر کشورهای آسیا ۱۵ سال و بیشتر است اما در بعضی کشورها بسیار پائین تر است مثلاً در بنگلادش بین ۱۲-۱۴ سال است. در اغلب این کشورها کار از سنین پائین تر از ۱۵ با اجازه والدین یا قیم هم امکان پذیر است اما سن غیر قانونی کار از ۴ یا ۵ سالگی به ویژه در کارگاه های قالی بافی حصیر بافی، آجرپزی آغاز می گردد و کودکان در کنار والدین خود و یا تنها روزانه بیش از ۱۰ ساعت کار می کنند. در منابع رسمی ایران از جمله در انتشارات مرکز آمار ایران توزیع فعالان در بخش های عمده اقتصادی بر مبنای شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر انجام می گیرد یعنی که به طور رسمی سن کار از ۱۰ سالگی در نظر گرفته می شود، حداقل سن کار در ایران طبق ماده ۱۶ قانون کار ۱۲ سال است. اما باز طبق ماده ۷ همین قانون حداقل سن کار برای کارگاه های فامیلی اعتبار ندارد. حتی با رعایت ضوابطی، کار شبانه نیز برای شان مجاز است.

کودکان آسیائی در بخش مختلف رسمی و غیررسمی کار می کنند که موارد زیر را شامل است:

کارخانه های کفش سازی کار با چسب و مواد شیمیائی خطرناک، کارگاه های ساخت وسایل آتش بازی و مواد منفجره، تولید توپ و الیبال و کریکت به ویژه توسط کودکان بسیار کم سن پاکستانی، به طور مثال در کارخانه سیالکوت در شرق پاکستان سالانه ۴۰ میلیون انواع توپ به ویژه توپ فوتبال تولید می شود. ۲۵ هزار نفر برای این کارخانه کار می کنند که ۵ هزار تایشان را کودکان تشکیل می دهند. آن ها تکه های کوچک را به هم می دوزند و از ۷ صبح تا دیر وقت شب برای دریافت حقوق ناچیزی که چند سنت است برای شرکت های معروف از قبیل ریوک، دان لوپ، لوتو، میترو و آدیداس توپ تولید می کنند که در اروپا به قیمت بالا فروخته می شود. تولید وسایل بوکس، کاردرهتل ها و رستوران ها، کار در آشپزخانه ها، بیشترین نیروی کار کودکان در کشاورزی در مزارع برنج، گندم، توتون، شکر، کائوچو، چای، موزو دانه ها به کار گرفته می شود. در سنگ شکنی، آجرپزی، سفال و شیشه گری، ماهی گیری، صید مروارید در آب های عمیق و کار در معادن سطحی و زیر زمینی بدون امکانات حفاظتی، جستجو در تل های اشغال برای یافتن مواد فلزی، پادوئی مغازه، ماشین پائی و ماشین شوئی، دستفروشی در خیابان، واکسی (همایون ۱۰ ساله که در پارک ملی مشهد از ۷ صبح تا ۹ شب کار می کند می گوید برای کمک به مخارج خانواده از ۵ سالگی کار کرده است در حالی که دوست دارد درس بخواند.) و وزن کردن، باربری، بارزدن و خالی کردن بار، خدمت کاری به ویژه برای دختران که روزانه تا ۱۸ ساعت کار می کنند و حقوق ماهیانه آن ها حدود ۷ دلار امریکاست و در خطر سوء استفاده جنسی قرار دارند. در کارخانه ها و کارگاه های قالی بافی و تعمیرگاه های اتومبیل که چون کار شاگردی و آموزشی محسوب می شود حداقل مزد پرداخت می گردد. در کارخانه های اسباب بازی سازی، شکلات، و محصولات غذایی به کار گرفته می شوند در حالی که خود اغلب گرسنه اند و در آرزوی داشتن اسباب بازی و بازی های کودکانه. روزنامه فروشی، فال و دعا فروشی، آدامس و سیگار فروشی، پلاستیک فروشی، نان خشکی و غیره

علاوه بر موارد بالا کودکان فروخته می شوند. اجاره داده می شوند. برای باز پرداخت قرض ها ئی که هیچ گاه تمامی ندارد و اگذار می شوند. توسط باندهای جنایت کار برای تجارت اعضای بدن دزدیده و کشته می شوند. مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند و به کار خودفروشی و ادار می گردند و در تجارت سکس به نقاط مختلف برای توریسم سکس صادر می گردند. بیش از یک میلیون کودک در آسیا در بردگی سکس هستند. دو کشور ترکیه و تایلند کشورهای ترانزیت دختران از ۹ ساله برای سکس تجاری هستند. این دختران از رومانی، روسیه، اکراین، مولداوی، ازمنستان، آذربایجان، بلغارستان، گرجستان و خود کشورهای آسیائی به اروپا و کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می شوند، به طور مثال سالانه ۲۰۰ هزار زن و کودک در پاکستان برای کار! فروخته می شوند. چندی پیش نیز مساله تجارت سکس دختران کم سن توسط بعضی نهادهای رسمی ایران به امارات بر ملا گردید و یا اخیراً خود مقامات برای رد گم کردن خبراز گسترش این پدیده می دهند " تا کنون تعداد زیادی از زنان و دختران ایرانی به شکل غیر قانونی به پاکستان، افغانستان، و کشورهای عربی برده و در اختیار مراکز خرید و فروش قرار گرفته اند." گوئی تنها دل نگرانی آن ها غیرقانونی بودن آن است. یک سوم از ۵۵ هزار خودفروش کامبوج کودک اند و در هند ۳۴۵ هزار کودک به خودفروشی اشتغال دارند. این

کودکان همه در خطر ایدز قرار دارند، تنها در یک مورد ۶۵۰ هزار کودک حامل ایدز در تانزانیا وجود دارد.

از کودکان در کارهای جنائی و قاچاق و برای حمل و توزیع مواد مخدر سوء استفاده می شود. هر ساله ۲۰ هزار پسر ۴-۵ ساله از بنگلادش و بسیاری دیگر از پاکستان به امارات و کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می شوند تا برای شرکت در مسابقات شترسواری تربیت شوند و شادی شیوخ عرب را فراهم سازند که مورد سوء استفاده جنسی هم قرار می گیرند، زیرا این کودکان در حقیقت فروخته می شوند و جزو مایملک خریدار محسوب می گردند.

رابطه مستقیمی بین کار و آموزش کودکان وجود دارد. گرچه در همه این کشورها آموزش ابتدائی اجباری و رایگان است اما به دلیل بیکاری والدین، فقر و گرانی وسایل آموزشی و مخارج رفت و آمد خانواده ها از فرستادن کودکان به مدرسه چشم می پوشند و آن ها را روانه بازار کار می کنند. به همین دلیل بسیاری از این کودکان هیچ گاه به مدرسه فرستاده نشده اند و بسیاری مدرسه ابتدائی را نا تمام رها کرده اند. به طور مثال ۳۰ درصد کودکان ۱۳ تا ۱۵ ساله تایلند اصلاً به مدرسه نرفته اند. در بنگلادش ۵۲ درصد پسران و ۴۸ درصد دختران به مدرسه ابتدائی وارد می شوند. در سال ۲۰۰۰ در کشور تانزانیا ۴ میلیون از ۱۰ میلیون کودک ۱۴-۵ ساله به مدرسه نمی رفتند.

آمریکای لاتین

آمریکای لاتین و منطقه کارائیب با مجموع ۱۷/۴ میلیون کودک کار، ۷ درصد کل کودکان کار دنیا را دارد. در این جا نیز چون سایر مناطق عامل اصلی کار کودکان عبارت است از فقر ناشی از استثمار سرمایه داری و تقسیم کار جهانی و سودیابی بیش از حد سرمایه از کار کودکان به جای کار نیروهای بزرگسال که گران تر است. در این منطقه نیز فقر ابتدا دامن گیر دختران می شود. ۶۹ درصد دختران ۱۷-۱۰ در پاناما به خدمتکاری فرستاده می شوند. دختران به جای فرستاده شدن به مدرسه برای سواد آموزی به کلفتی در خانه های مردم فرستاده می شوند که در صد بالائی مزد هم دریافت نمی کنند و با کار طولانی روزانه تنها غذا و مکان زندگی دریافت می دارند، مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند و به خاطر دور بودن از خانواده در سنین کودکی دچار مشکلات روحی روانی می شوند. به طور مثال دو سوم کودکان خدمتکار در هندوراس مزدی دریافت نمی کنند و تنها سودش برای خانواده کم شدن یک نان خور از سر سفره فقیرانه شان. در بسیار از کشوره خانواده برای کار به کشورهای دیگر مهاجرت می کنند اما کودکان را با خود به همراه نمی برند که آن ها به جمع کودکان کار یا کودکان خیابانی اضافه می شوند.

با وجودی که آموزش ابتدائی مجانی و اجباری است بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کودکانی که به مدرسه فرستاده می شوند مدرسه ابتدائی را تمام نکرده به دلیل فقر و عدم توانائی در تهیه وسایل کمک آموزشی مجبور به ترک تحصیل می گردند. به طوری که در بسیاری از کشورها متوسط سال های تحصیل ۴ سال است. یا در کاستاریکا ۲۴ درصد کودکان اصلاً شناسنامه ندارند که به مدرسه فرستاده شوند.

سن قانونی کار در اکثر قریب به اتفاق کشوره ۱۴ و بیشتر است اما مراقبتی برای اجرای آن انجام نمی شود زیرا در آن صورت باید آن ها را زیر پوشش کمک های دولتی قرار دهند که برای شان خوشایند نیست. این قوانین توسط خود دولت ها هم زیر پا گذاشته می شود که نشانه بارز آن وجود کودکان سرباز در ارتش دولتی است. شروع کار در بعضی از مناطق و بعضی از فعالیت های اقتصادی چنان پایین است که باورکردنی نیست به طور نمونه در مناطق کشاورزی پرو کودکان ۶-۷ ساله ۵۵ درصد کودکان کار را تشکیل می دهند یا در کارخانه های آجر کودکان از ۳ سالگی به همراه والدین خود کار را آغاز می کنند.

عمده فعالیت های اقتصادی که از کار کودکان تغذیه می کند عبارت اند از:

کار کشاورزی و کار بدون مزد فامیلی، براساس گزارش یونیسف نیم کودکان کار هندوراس در این بخش فعالند. خدمتکاری بیشتر برای دختران و کم تر برای پسران، کار در مزارع تجاری قهوه، شکر، کار در کارخانه های تولید لباس، کفش، وسایل منزل و بسته بندی حبوبات در سوپرمارکت ها، کار در

معادن و صنعت ذغال، ماهی گیری و تولیدات وابسته به آن، مراقبت از احشام و تولید گوشت، دستفروشی در خیابان ها، پادوئی، واکسی ماشین شوئی و ماشین پائی، کاردرهتل ها و رستوران ها و کلوب های شبانه که با سوء استفاده جنسی همراه است. کار ساختمانی، گدائی (کودکان بسیاری برای گدائی از کشوری به کشورهای دیگر صادر می شوند، به طور نمونه سالانه ۲ تا ۳ هزار کودک از هائیتی برای گدائی به دومینیکن صادر می شوند.

کودک سرباز: کودکان توسط دولت و چریک های مخالف دولت برای سربازی پذیرفته می شوند. از این کودکان در کار پیام رسانی، حمل بار و تسلیحات، پارتتسکس استفاده می شود. کودکان به دلایل مختلف به این بخش می پیوندند که مهم ترین شان عبارت است از رهائی از کار بی پایان و بدون مزد خدمتکاری، تامین غذایی، تامین مکان زندگی برای کودکان خیابانی و مراقبت جسمانی و ترس. سکس تجاری: اکثر کشورهای این گروه در این زمینه فعال اند. کودکان به کشورهای منطقه یا سایر نقاط دنیا ترافیک می شوند. کلمبیا مرکز ترافیک کودکان به ژاپن، اسپانیا و امریکاست. کاستاریکا مرکز ترانزیت سکس کودکان از بلغارستان، کلمبیا، دومینیکن، نیکاراگوا، روسیه، پاناما، فیلیپین، آسیا و افریقا است. اکوادور محل ترافیک کودکان و زنان در منطقه برای تجارت سکس با کشتی به ژاپن است. تجارت سکس به ویژه در مناطق توریستی رونق دارد و کودکان از سنین ۸ و ۹ سالگی به خودفروشی مجبور می شوند. به نحوی که خودفروشی در حال رشد است و رانندگان تاکسی در بعضی شهرهای توریستی کار واسطه گری سکس را به عهده دارند.

ایالات متحده آمریکا

بنا بر اطلاعات ارائه شده در کتاب سالانه آمار کار ILO، سال ۲۰۰۱، در سال ۲۰۰۰ در آمریکا ۸۳۶۹ هزار نفر در گروه سنی ۱۹-۱۶ فعال اقتصادی بوده اند. ۸۰ درصد ۱۰ میلیون کودک ۱۷-۱۵ ساله در طول سال تحصیلی شغلی داشته اند. در سال ۹۸ در آمریکا ۴ میلیون کودک کار می کردند. براساس آمار اداره آمار کار، ۲/۶ میلیون نوجوان یعنی ۳۴/۵ درصد ۱۷-۱۶ ساله ها به نوعی در استخدام بودند. براساس گزارش در ژوئن ۹۶، ۵/۵ میلیون کودک ۱۷/۱۲ ساله کار می کردند. این آمار کودکان زیر ۱۲ سال را در بر نمی گیرد. قابل ذکر است که کودکان ۶،۷،۸ ساله امریکائی در مناطق کشاورزی کار می کنند. کودکان اغلب در مزارع روزانه ۱۲ ساعت کار می کنند. گاه کاراز ساعت ۳ یا ۴ صبح آغاز می شود. کودکان در گرمای ۱۰۰ درجه فارنهایت در شرایط بسیار بدی کار می کنند، با مواد شیمیائی سمی سروکار دارند که سرطان زاست. کشاورزی تجاری خطرناک ترین بخش برای کار کودکان و هم زمان بزرگترین بخش جذب کار کودکان بدون حمایت های قانونی است که سبب آسیب فراوان به زانوی کودکان می شود. هر ساله ۱۰۰ هزار کودک در کار کشاورزی تجاری آسیب می بینند. فقیرترین کودکان در آمریکا کارر از زمانی آغاز می کنند که دیگر کودکان هم سال شان هنوز به کودکستان نمی روند. در یک تحقیق انجام یافته توسط داگلاس ال. کورزه اقتصاد دان کار دانشگاه Rutgers، ۲۹۰۲۰۰ کودک در استخدام بودند که ۵۹۶۰۰ نفرشان زیر ۱۴ سال بودند. به طور کلی ۴ درصد همه ۱۷-۱۲ ساله ها هفتگی به نحوی کار می کنند. به طور خلاصه کودکان در آمریکا ۷/۹ درصد نیروی کار آمریکا را تشکیل می دهند.

۸۰-۷۰ درصد صنعت سکس!! آمریکا و کانادا با کودکان شروع به کار کردند. دختران در آمریکا از ۱۲، ۱۳، و ۱۴ سالگی کار خودفروشی را در خیابان آغاز می کنند. گزارشی در سال ۹۸ می گوید که سالانه ۲-۱/۲ میلیون تین ایجر به کودکان خیابانی می پیوندند که یک دوم آن ها وارد کار خودفروشی می شوند. در آمریکا سن متوسط خودفروشی ۱۶/۹ سال است اما این سن برای پسران ۱۴ سال است. علاوه بر این هر ساله ۴۵-۵۵ هزار زن و کودک از سراسر دنیا بویژه روسیه، اکراین، لیتوانی، جمهوری چک، لهستان، مجارستان، مکزیکو، هنوراس، برزیل، تایلند، فیلیپین، کره جنوبی، چین، ویتنام و مالزی برای سکس تجاری وارد می شوند. دپارتمان قضائی آمریکا تأیید می کند که بین ۱۰۰ هزار تا ۳

میلیون نفر که شامل کودکان نیز می‌باشد برای خودفروشی و پورنوگرافی به امریکا ترافیک شدند. یونیسف گزارش می‌دهد که در سال ۹۷ تنها ۱۰۰ هزار کودک در امریکا وارد سکس تجاری شده اند.

کودک سرباز: سن ورود به ارتش امریکا ۱۷ سال است. در سال ۹۸ ارتش امریکا ۶۷۴۵ کودک را نیز پوشش می‌داد. در سال ۹۹ حداقل صد سرباز ۱۷ ساله در نیروهای امریکائی در بالکان بودند. به گزارش دپارتمان دفاع امریکا سربازان ۱۷ ساله در جنگ خلیج شرکت داده شدند.

در صد کودکان کار در کل نیروی کار

آسیا	آفریقا	اروپا	امریکا	امریکای لاتین
۱۵,۳	۲۲	۰/۳	۷,۹	۷

نتیجه گیری:

چنان که در سطور بالا آمد کار کودکان بدین شکل سروسامان یافته پدیده ویژه سرمایه داری است که بیش از ۲۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد اما هنوز برای کارفرمایان جذابیت دارد زیرا که ارزان است. استثمار آن‌ها راحت تر است. مطیع تراند و چون اغلب غیرقانونی به کار گرفته می‌شوند مخارجی از نظر بیمه و بازنشستگی و اقدامات ایمنی ندارند، در حالی که هم زمان میلیون‌ها بیکار بزرگسال وجود دارد که کاری پیدار نمی‌کنند یا درحقیقت به کار گرفته نمی‌شوند درعین حال آن‌ها که کار می‌کنند نیز به دلیل شدت بالای استثمارکه منجر به پرداخت مزد ناچیز و یا نا مکفی می‌شود قادر به تامین مخارج خانواده خود نیستند. باید گفت که در همین سیستم سرمایه داری هم اگر مخارج بازتولید نسل آتی نیروی کار که بر بودجه کارگران سرشکن می‌شود توسط سرمایه و تمایز آن دولت سرمایه داری به طور کامل تامین گردد مساله تخفیف خواهد یافت، به طور مثال سرمایه داری برای نیازهای خود آموزش کودکان را از حیطة ی وظیفه خانواده خارج کرد به نحوی که کودکان در مدارس تعلیم می‌بینند اما هنوز مسئولیت تامین خوراک، پوشاک، کفش، وسایل کمک آموزشی، مخارج رفت و آمد به مدرسه و غیره باقی است که درآمد ناچیز خانواده کفاف آن را نمی‌دهد. فحشا نیز پیامد مالکیت خصوصی است که پیشرفته ترین شکل آن مختص سرمایه داری است. اما حل واقعی مساله با رفرم های سرمایه داری و کمک های اجتماعی، چیزی که "بخشی از بورژوازی مانند اقتصاديون، انسان دوستان، جمعیت های خیریه، اعضا انجمن های حمایت حیوانات و غیره برای تامین بقای جامعه بورژوائی انجام می دهند" ۷ امکان پذیر نیست. تنها زمانی می‌شود انسان شخصیت واقعی انسانی خود را تصاحب کند و استعداد هایش شکوفا گردد که بساط سرمایه داری و با آن کار مزدی برچیده شود. مساله مالکیت به سود ۹ دهم اعضا جامعه که امروز فاقد مالکیت اند به صورت تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت جامعه حل شود. کودکان نه فقط به والدین بلکه به جامعه هم تعلق گیرند و تمام تعهدات تامین آموزش فرزندان از والدین به جامعه تقویض گردد. پول کتاب، وسایل کمک درسی، تغذیه، وسایل عبور و مرور و غیره به طورکلی مجانی شود. فحشا نیز که از ملزومات مالکیت خصوصی بود از بین خواهد رفت. اما این بدین معنی است که باید از هم امروز در همین سیستم سرمایه داری مبارزه برای این زندگی انسانی را شدت بخشید و دست روی دست گذاشت زیرا امری مقدر و جبری نیست که باید به انتظارش نشست بلکه به خاطرش باید جنگید.

زیر نویس ها:

- ۱- کارل مارکس، سرمایه جلد اول ترجمه فارسی، ص ۳۶۹
- ۲- پایدار، ناصر، نگاهی به رابطه کار و سرمایه در ایران، سیمای سوسیالیسم، شماره ۵، ص ۱۸
- ۳- اخبار یونیسف، شماره ۳، سپتامبر ۲۰۰۳، ویژه کودکان خیابانی و کودک سرباز
- ۴- کانال خبری اروپا، EuroNews ۲ ژانویه ۲۰۰۴
- ۵- اکبر نعمتی، مدیر کل امور اجتماعی وزارت کشور، ۱۷ آذر ۱۳۸۲، به نقل از ایران آزاد
- ۶- تامارا هنری- گزارش برای USA Today، ۶ نوامبر ۱۹۹۸

۷- کارل مارکس، فریدریش انگلس، مانیفست کمونیست ترجمه فارسی، ص ۸۰

تذکره: اطلاعات و آمار مورد استفاده در این مقاله اکثراً از طریق جستجو در اینترنت به دست آمده که برای مراجعه خوانندگان مهم ترین آنها را ذکر می کنم.

www.dol.gov/ilab

- US Department of Labour

Bureau of international Labour Affairs 2002

- Advancing The Campaign Against Child Labour : Efforts at the country level

- The Department of Labour,s 2002 Finding on the worst Form of child Labour

Trade and Development act of 2000

www.one word.org

www.almudo.com

- street children in Europe and the Middle East.

www.arabia.com

Child soldiers.org

iranian children.org

- کمیته حمایت از کودکان خیابانی ایران . سوئد